
سیاحت غرب

مرحوم آیه الله محمد حسن نجفی قوچانی (ره)

www.ketab.ir



سرشناسه	نجفی قوچانی، محمدحسن، ۱۲۵۶ - ۱۳۲۲.
عنوان و نام پدیدآور	سیاحت غرب/ محمدحسن نجفی قوچانی.
مشخصات نشر	تهران: دینا، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۱۲۸ ص.
شابک	۷۱۱۶-۶۰۰-۸۰۰۹۷۸-۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	نجفی قوچانی، محمدحسن، ۱۲۵۶ - ۱۳۲۲. -- سرگذشتنامه
موضوع	معارف
موضوع	زندگی پس از مرگ (اسلام)
رده بندی کنگره	الف ۱۲۹۲ س ۹ ن ۲ / ۲۲۲ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷/۲۲
شماره کتابشناسی ملی	۲۳۳۶۵۰۲
رده بندی دیویی	۲۹۷/۶
شماره کتابشناسی ملی	۲۳۳۶۵۰۲



☐ سیاحت غرب

☐ مرحوم آیه الله محمدحسن نجفی قوچانی (ره)

☐ چاپ اول: ۱۳۹۲

☐ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

☐ تعداد صفحات: ۱۲۸ صفحه

☐ شابک: ۷۱۱۶-۶۰۰-۹۷۸-۰

☐ بها: ۸۰۰۰ تومان

☐ توجه: به موجب قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۲۸/۱۰/۱۱ و همچنین قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۰ کلیه حقوق این اثر به هر نحو برای انتشارات برهان صاق محفوظ می باشد. هر کس تمام یا قسمتی از این کتاب را بدون اجازه، نشر یا پخش یا عرضه کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست

مقدمه	۹
لحظات پس از مرگ و وضعیت مرده و تشییع کنندگان	۱۰
شب اول قبر و سوالات نکیر و منکرو به فریاد رسیدن حضرت علی (علیه السلام)	۱۲
آشنایی و گفتگو با راهنمای عالم برزخ (هادی)	۱۷
ملائکه تفتیش کننده و فشار قبر و پاک شدن از گناهان	۲۱
شفا یافتن توسط هادی	۲۳
نفرستادن خیرات توسط بازماندگان و ناراحتی آیه الله نجفی	۲۵
دیدار با حضرت ابا الفضل (علیه السلام) و حضرت علی اکبر (علیه السلام) و سلام رساندن حضرت زینب (سلام الله علیها)	۲۷
راحت بودن سه سال اول تکلیف بخاطر استحکام نداشتن قوه عقل	۳۰
دیدار و همسفر شدن با شیطان	۳۲
اولین شیطنت شیطان	۳۴
تشنگی و خوردن هندوانه تلخ جهالت	۳۶

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين مالک يوم الدنيا والدين
درود بی پایان بر پیغمبر اسلام و اولاد او باد که پزشکان تن و روان
مردمانند و از گفته اوست: (دوستی دنیا یک بیماری بزرگی است که
همه بیماریهای آدم از شاخ و برگ اوست و بادآوری از مرگ، داروی
آن بیمار است).

و بعد، این بنده خدا می گوید: که پیش از اینکه سال یک هزار
و سیصد و هفت شمسی بود، گزارشات خود را از آغاز آموزگاری تا به
انجام نوشتم و نام آن نامه را «سیاحت شرق» نهادم و در این هنگام که
سال یک هزار و سیصد و دوازده شمسی بود، گزارشات برزخی خود
را نوشتم و نام این نامه را «سیاحت غرب» نهادم که از من یادگاری

و ملت اسلام را پندباشد. پُرروشن است که بدن عنصری و مادی جهان طبیعت، حجابی است ضخیم و پرده‌ای است سخت بر روی دیده انسان از جهان دیگر و به مردن و بیرون شدن از این جهان مادی و برطرف شدن این پرده، می‌بیند و می‌رسد به چیزهایی که پیش از این نمی‌دید و نمی‌رسید.

«لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ».

لحظات پس از مرگ و وضعیت مرده و تشییع کنندگان

... و من مُردم، پس دیدم ایستاده‌ام و بیماری بدنی که داشتم ندارم و تندرستم و خویشان من در اطراف جنازه، برای من گریه می‌کنند و من از گریه آنها اندوهگینم و به آنها می‌گویم: «من نمرده‌ام، بلکه بیماریم رفع شده است».

کسی گوش به حرف من نمی‌کند. گویا مرا نمی‌بینند و صدای مرا نمی‌شنوند، و دانستم که آنها از من دورند و من نظریه‌آشنایی و دوستی به آن جنازه دارم، خصوص بشره پهلوی چپ او را که برهنه بود و چشمهای خود را به آنجا دوخته بودم. و جنازه را بعد از غسل و دیگر کارها بطرف قبرستان بردند. من هم جزو مشیعین رفتم، در میان آنها بعضی از جانورهای وحشی و درندگان از هر قبیل می‌دیدم که از آنها وحشت داشتم ولی دیگران وحشت و آنها نیز اذیتی نداشتند؛ گویا

۱. هنگام جان دادن و سکرات مرگ، به انسان خطاب می‌شود: تو از این صحنه غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم و امروز چشمت، کاملاً نیزبین است. (سوره ق آیه ۲۲)